

## معرکه حداقل دستمزد

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
hekmatist.com

در ایران پایان هر سال، ماههای بهمن و اسفند، مصادف است با براه افتادن معرکه ای بنام "مباحث حداقل دستمزد" طبقه کارگر ایران.

در این ماهها سلسله مراسمی از بحث و جلسه و میزگرد، میان دولت، کارفرمایان و نمایندگان جعلی کارگران برگزار میشود. نام آن را مذاکرات سه جانبه گذاشته اند. میگویند این مراسم برای بهبود وضعیت اقتصادی طبقه کارگر ایران است! هر سال این مراسم "پرشور" برگزار میشود! و وضع اقتصادی طبقه کارگر ایران هر سال نه تنها بهبودی پیدا نمی کند، که به مراتب دشوار تر میشود.

این مراسم نه برای بهبود وضعیت اقتصادی طبقه کارگر، که مراسمی بین کارفرمایان و دولت است برای تنظیم و مدیریت رابطه فی مابین خودشان، بنام و بهانه کارگر! برای طبقه کارگر، این یک مراسم درون خانوادگی دولت و کارفرمایان و یک کمپین سیاسی است برای ساکت داشتن طبقه کارگر به امید پوچ "بهبود" و وضعیت اقتصادی خود، از طریق این مراسم.

امسال هم در دل این معرکه، کارفرمایان، که نام آنها برای حمایت توسط قانون و دولت به مقام خدایی "کارآفرین" مزین شده و ارتقا پیدا کرده است، با حربه های قدیمی به میدان آمده اند. کارفرمایان از عدم گردش کافی سرمایه می نالند و ادعا میکنند که چنانچه دستمزدها بالاتر رود، آنها ورشکسته میشوند! و طبعاً در چنین حالتی خالق و مخلوق، "کارآفرین" و کارگر، که دولت و کارفرما تلاش میکنند او را به مقام مفعول و مخلوق "کارپذیر" تنزل دهند، هر دو باهم سیه روز و بیچاره میشوند!

در این مراسم هم باز تعدادی از ماموران سرکوب کارگران را بنام "نماینده کارگر"، جلوی صحنه گذاشته اند تا بار دیگر از ناکافی بودن آرا "نمایندگان کارگران" در مذاکرات سه جانبه، شکوه کنند و به عموم اطلاع دهند که نهایت کوشش شان بی نتیجه مانده است و نتوانسته اند کارفرما و دولت را راضی کنند. دولت هم "سربریز" و "شرمنده"، از زمین و زمان شکایت میکند که اوضاع بین المللی سخت است، بخور بخور های ریز و درشت درونی خودشان مشکلاتی ایجاد کرده است، مشکلات عدیده ای در جامعه وجود دارد، و بالاخره از صندوق خالی بودجه خود می نالد.

صفحه ۳

حکمتیست نشریه مزب کمونیست کارگری حکمتیست هر هفته دوشنبه ها منتشر میشود  
حکمتیست را بفهوانید، به دوستان فود معرفی کنید و در توزیع آن ما را یاری رسانید



## دوران امید، دوران تحزب کمونیستی

محمد فتاحی

تقریباً برای اولین بار جامعه ایران وارد دوره ای عاری از خصومت خارجی میشود. نه فقط این، بلکه برای اولین بار است که دروازه عادی شدن روابط با غرب و امریکا باز میشود.

به دنبال سرکوب های بعد از انقلاب، جنگ ایران و عراق بلافاصله شروع و لطمات جبران ناپذیری را به جامعه وارد آورد. پایان جنگ هشت ساله و خروج از فضای بمباران و کشتار و آوارگی میلیونی، شروع دوران نظم نوین جهانی به سرکردگی امریکا رسید. از آن مقطع به بعد، منطقه خاورمیانه مداوماً زیر تعرض و دخالت و تهدیدات سیاسی نظامی امریکا بوده است.



## دولت "اعتدال" دنیای ممنوعه کارگر متحد

خالد حاج محمدی

درايت زيادی لازم نيست تا فهميد پيام دولت روحانی برای طبقه کارگر ایران چيست. جامعه ای که در آن کارگر متشکل از بدو تولد جمهوری اسلامی، با همه دولتهایی که به خود دیده است و برای همه شاخه های آن، از نوع بدخیم خمینی تا خوش خیم خاتمی، از جنبش سبز راه امید تا دولت "اعتدال" روحانی، یک پیام داشته اند، و آنهم اینکه جامعه ایران برای کارگر متحد دنیای ممنوعه است. بحث این نيست که تشکل مستقل کارگری شورا، سندیکا، اتحادیه و هر نوع نهاد کارگری ممنوع است، که همیشه ممنوع بوده اند. مسئله این است حتی آنجا که در قانون کارشان اسمی از تشکل کارگری برده اند و ظرفی را برای کنترل اتحاد کارگر تعريف کرده اند و به ظاهر تشکيل اينگونه تشکلهای آزاد است، با این وصف در این تشکلهای هم هر وقت کارگر پا از گلیم خود درازتر کرده است، سایه اش را با تیر زده اند.

سرگذشت کارگران معدن چادرمولو گواه این حقیقت است. اعتصاب ۲ هزار کارگر این مرکز در اعتراض به اخراج بهرام حسنی نژاد دبیر انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس و سایر مطالبات آنها، برخورد پلیس دولت "اعتدال" و اداره کار و بقیه ارگانهای ضد کارگری آنها اثبات همین حقیقت است. خبرگزاری های جمهوری اسلامی و از جمله ایلنا در کمال بی شرمی اعلام کرده اند که به درخواست کارفرما، پلیس ۲۰ نفر از کارگران اعتصابی را دستگیر کرده است. از قول کارفرما گفته اند جرم دستگیر شدنشان، "تحریک"

صفحه ۴

# کارگران جهان متحد شوید

## دوره امید

تهدید و ارباب متناوبا توسط امریکا و متحدش اسرائیل در منطقه، خصومت یکدست غرب با جمهوری اسلامی به موازات سیاست رژیم چنج و تحریم اقتصادی کل اردوی غرب علیه ایران بخش نهایی این دوران تیره است. دوران تیره از نظر مبارزه طبقاتی در ایران مد نظر من است. وگرنه برای نیروهای اپوزیسیون رنگارنگ بورژوازی در چپ و راست، این دوره تیره خیلی هم روشنایی بخش و افق دهنده بود.

شروع مذاکرات اتمی، پروسه توافق غرب و جمهوری اسلامی و آغاز کنار رفتن تحریم های اقتصادی و تهدیدات جنگی، پروسه کنار رفتن این ابر سیاه بر آسمان سیاست مد نظر طبقه کارگر در ایران است.

طبعاً سرمایه داری ایران که توسط جمهوری اسلامی نمایندگی میشود، هم نقدا سود زیادی از کنار رفتن فشار نظامی و اقتصادی برده است. کنار رفتن تحریم مستقیماً به معنی بکار افتادن مراکز صنعتی بسیاری است که در دوران تحریم ورشکست شدند. بعلاوه آزاد کردن میلیاردها دلار از پولهای بلوک شده ایران دوران شروع پروژه های زیادی است که قبلاً ممکن نبودند. و بالاخره دوران ورود سرمایه غربی از طریق فروش نفت و گاز است. بعلاوه، رسمت یافتن قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی نزد غرب، دروازه های اقتصادی بیشتری به روی بورژوازی ایران در سطح منطقه و بین المللی باز میشود.

یک نفع دیگر جمهوری اسلامی از سر سیاست است. تقریباً تمام اپوزیسیون بورژوازی چپ و راست ایران، یا مستقیماً در این پروسه به زیر رهبری لایه های در قدرت سیاسی در ایران رفته اند، یا به تبعیت از امریکا و غرب، به قبول جمهوری اسلامی تمکین کرده اند. از این زاویه هم خصومت جناح های بورژوازی در اپوزیسیون حداقل فعلاً پایان یافته یا کرکره هایشان را پائین کشیده اند.

تا جایی که به طبقه کارگر برمیگردد، ورود ایران به دوره جدید، فرصت هایی را باز کرده که قبلاً موجود نبود.

فضای رعب و وحشت جنگی امریکا و اسرائیل و نهایتاً سوریه ای کردن ایران تعطیل شده و جامعه در کل نفس کشیدن راحت را دارد تجربه میکند. به زبان دیگر، سایه عواقب و تأثیرات دشمنی مستقیم امریکا و اسرائیل و غرب از سر طبقه کارگر کم شده است.

فشار سنگین تحریم اقتصادی که قبل از همه

علیه طبقه کارگر بود، دارد سبک میشود. نتیجه اول شروع دوران جدید، بطور

اتوماتیک بالا رفتن توقع طبقه کارگر و توده های زحمتکش برای بهبود در زندگی را موجب شده است. نمیشود کل بورژوازی ایران حساب بانکی هایش را آماده پذیرایی از سود این معامله ببیند و در مقابل مطالبه کارگر برای زندگی بهتر حق به جانب ظاهر شود. نه فقط این بلکه شروع روابط متفاوت با غرب شروع مطالبه دستمزد و مزایای متفاوت از قبل و بهبود در شرایط کار و زندگی است. دیروز بهانه خطر جنگ بود، امروز نیست. دیروز بهانه تحریم اقتصادی بود، امروز نیست. امروز بطور مثال، کارگر ایران خودرو با اعتماد به نفس بالایی میتواند همان دستمزدی را مطالبه کند که هم طبقه ای او در خودروسازی های آلمان و امریکا دریافت میکند.

چماق دشمن خارجی در مقابل اعتراضات کارگری از دست جمهوری اسلامی خارج شده است. دشمنی با شیطان بزرگ اگر هزینه داشت، دوستی و رابطه عادی اما سود میزاید. نمیشود در هر دو حالت و با هر دو بهانه کارگر را به جان کندن دعوت کرد و در مقابل مطالبه کارگری با کارت دشمن خارجی بازی کرد.

فضای سیاسی تبلیغاتی اپوزیسیون بورژوازی ایران که به تبعیت از امریکا و غرب ابزار سیاست رژیم چنج و سناریوی سیاه و سمپاشی سیاسی به فضای سیاست ایران بود، تعطیل شده است. به یک معنی، از دشمنان طبقه کارگر که لباس دوست پوشیده بود، خیلی ها کم شده اند.

امروز صحنه سیاست ایران بیش از همیشه، به جای کشمکش جمهوری اسلامی و غرب و اپوزیسیون بورژوازی، صحنه مستقیم و عریان کشمکش طبقه کارگر و بورژوازی ایران شده که جمهوری اسلامی آنرا نمایندگی میکند.

دشمن متحد بورژوازی در لباس جمهوری اسلامی، بیش از همیشه طبقه کارگر و رهبران و سازماندهندگانش را متوجه امر یک اتحاد طبقاتی در مقابل دشمن متحد جلب کرده است. به زبان دیگر، اتحاد سیاسی طبقاتی و نتیجتاً تحزب کمونیستی، بیش از همیشه خود را در چشمان رهبران کارگری ضروری تر نمایان کرده است.

به این فرصت ها باید دو فاکتور از قبل داده شده را اضافه کرد؛ تجربه تاریخی طبقه کارگر و جامعه ایران در مقابله با استبداد و بی عدالتی بعلاوه حضور کمونیسمی زنده و پویا در صفوف طبقه کارگر که خود را در حضور گسترده شبکه های فعالین و رهبران

کمونیست در مراکز مهم صنعتی ایران نشان میدهد.

خوشبختانه، امید به دولت حسن روحانی که از روز اول دل روشنفکران طبقه متوسطه را با خود همراه کرد، به حکم شرایط مادی طبقه کارگر، قادر به ایجاد سرگیجه و توهم در میان رهبران و سازماندهندگان کارگری نشد. نتیجتاً این دوره اخیر، چه از نظر کمی و چه کیفی، ما شاهد تحولات کارگری بیشتری در مراکز مهم هستیم. نه فقط این، بلکه با تعطیل سیاسی اپوزیسیون بورژوازی در صحنه سیاسی، اخبار تحولات کارگری فضای بیشتری در سیاست ایران را اشغال کرده است. امروز مدیای فارسی زبان، برای جلب مخاطب هم که شده، ناچاران بیش از دیروز به مباحث مربوط به اعتراضات کارگری میدان دهند.

این شرایط سیاسی اقتصادی و امنیتی، این فرصت های باز شده برای پیشروی، این پولاریزاسیون سیاسی طبقاتی (که خود را در اتحاد وسیع بورژوازی ایران حول جناح های جمهوری اسلامی در مقابل طبقه کارگر نشان میدهد) و این پتانسیل رهبران کارگری به ما حق میدهد که شروع دوره امید را با صدای بلند اعلام کنیم؛ شروع دوره ای که دروازه های پیشرفت در مبارزه و اتحاد و تحزب کمونیستی بیش از همیشه باز است.

کمک به این پروسه و دخالت مستقیم در امر اتحاد و تحزب کمونیستی طبقه کارگر و سازماندهی یک جنبش مستقل سوسیالیست کارگری اولویت اول حزب حکمتیست در این دوره است که با اشتیاق کامل و تمام انرژی خود سراغ آن میرود.

فوریه ۲۰۱۴

رادپو نیئا  
Radio Neena

رادپو نیئا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹

شب به وقت تهران از طریق ماهواره

هاتبرد پخش میشود.

رادپو نیئا را گوش دهید و آنرا به دوستان

و آشنایان خود معرفی کنید.

www.radioneena.com

آزادی برابری حکومت کارگری

## معرکه حداقل دستمزد

مضحکه ای براه انداخته اند که در آن کارفرما و دولت و نمایندگان خود گمارده کارگری، دور هم جمع می شوند! برای هم رجز می خوانند! با همدیگر جلسه می گیرند! به زمین و زمان قسم می خورند که همگی خواهان بالابردن حداقل دستمزدها هستند، اما کاری نمی نوانند بکنند! و باز هم همان سناریو سال های گذشته، تکرار می شود.

این سناریو مکرر، که هر سال در ایران در پایان سال اجرا میشود، بخود مشغولی را دامن میزند که نه تنها پاسخ و راه حلی برای بهبود وضعیت اقتصادی در مقابل طبقه کارگر قرار نمی دهد، که برعکس موانع جدی در مقابل تلاش او برای بهبود وضع اقتصادی ایجاد میکند.

این مراسم، زمین بازی کارفرمایان است، که در آن تنها و تنها یک هدف تعقیب میشود و آن این است که به کارگر بقبولانند که:

یکم: افزایش دستمزد، نه مسئله ای چهار فصله و هرروزه و هرلحظه، بلکه تنها و تنها یک فصل دارد و یک بار در سال تعیین میشود.

دوم: قرار است به کارگر بقبولانند که هنگامی که حداقل دستمزد توسط دولت و کارفرما تعیین شد و به کارگر ابلاغ شد، فصل و پرونده افزایش دستمزد برای یک سال بسته میشود و کارگر دیگر نباید طی این یک سال به فکر تغییر و فزایش آن باشد.

سوم: و بقبولانند که کارفرما و دولت، با کارگر مذاکره کرده اند. در توافق با هم، و با مکانیزم "سه جانبه گری" تصمیم گرفته اند! نارضایتی هریک از این جوانب از نتیجه مذاکرات قابل درک است، اما عقلایی و منطقی نیست! باید پذیرفت! همیشه که همه چیز آطور که یک طرف میخواهد پیش نخواهد رفت. و همه چیز عادلانه و خوب است و هارمونیک! برای تغییر میتوان سال آتی تلاش کرد.

هیچ کارگر کمونیستی، هیچ کارگری که خود را در تنگنا احساس نکند، این معرکه را نه تنها مراسمی برای بهبود وضعیت اقتصادی خود نمی داند، که آن را یک حربه و کمپین سیاسی علیه تلاش واقعی خود برای بهبود وضع اقتصادی میدانند.

این بالماسکه هر ساله، بیش از آن شناخته شده است که بتوان با آن هیچ کارگر و رهبر اعتراضات کارگری را تحمیق کرد. آنچه که امسال را از سال قبل و سالهای قبل متمایز

میکند، نه بهانه های قدیمی کارفرما و شانه خالی کردن های سنتی دولت، که واقعیت های دیگری است.

امسال ما در دوره دیگری هستیم. امسال بهانه های تحریم و جنگ با دشمن خارجی را نمی توانند در مقابل طبقه کارگر قرار دهند. امسال کارگر هم دیگر حاضر نیست که به وضعیت اقتصادی سال های قبل، رضایت دهد.

اعتراضات کارگری که طی چند ماهه اخیر در جریان است، گویای این واقعیت است.

فراتر از آن، چه کارفرمایان و چه دولتشان و چه نمایندگان خودگمارده کارگری، همه و همه ناچار شده اند اعتراف کنند که، سطح دستمزدها کماکان بسیار نازل و حتی زیر خط فقر تعیین شده توسط خود بورژوازی است.

کارفرمایان در ایران، همچون تمامی سرمایه داران در سراسر دنیا، هر لحظه که مسئله دستمزد طرح میشود آنرا "هزینه اصلی" تولید می نامند، با پرده پوشی بر روی این واقعیت که کاری که دستمزد برای آن پرداخت میشود، بزرگترین و اصلی ترین عامل تولید، و تنها نیروی تولید است. اعلام اینکه دستمزد اصلی ترین هزینه تولید است، همچون گفتن این واقعیت است که سوخت اصلی ترین عامل حرکت اتوموبیل است. این ادعای کارفرمایان در غرب و شرق که در بازار رقابتی موجود، چنانچه دستمزد بالا رود هزینه آنان نیز بالا

میرود و ورشکسته می شوند یک بهانه قدیمی سرمایه از روز تولد بوده، و دروغ است. ادعاهایی چون، عدم گردش سرمایه و ناتوانایی سرمایه داران برای رقابت در ایران، متوسل کردن تورم به سیاست های دولت فعلی و دولت سابق و نه به ماهیت و خصلت خود سرمایه داری، و ... همه و همه پوچ است. رشد و میزان ثروتی که در ایران تولید می شود، برای افزایش دستمزد ها و بهبود وضعیت اقتصادی طبقه کارگر برای چندین نسل کافی است. به سرعت سرسام آور افزایش ثروت بورژوازی ایران، نگاه کنید. به افزایش تعداد مالتی میلیاردرها، سبک و سیاق زندگی، میزان ثروت های نجومی و سرمایه ای که در ایران حتی در دل سخت ترین شرایط تحریم اقتصادی و تورم و بحران اقتصادی اندوخته میشود و به گردش در

میآید، نگاه کنید. این ها همه محصول همان کاری است که برای خرید اش دستمزد پرداخت میشود.

این معرکه، برای سنگر گرفتن و پنهان شدن کارفرما و دولت پشت کارگر، برای امر دیگری جز افزایش دستمزدها است. هدف این است که سدی در مقابل کارگران بسته شود، تا امر دستمزد را به مذاکرات بین خودشان سوق دهند.

پاسخ کارگران کمونیست به این معرکه این

یکم: اعتراض کارگر حول افزایش دستمزد به یک روز و یک فصل محدود نیست، هرروز و هرلحظه و چهار فصل دارد.

دوم: وضعیت اقتصادی طبقه کارگر و رفاه آن شامل کارگر شاغل و بیکار است و از اینرو حداقل دستمزد و بیمه های اجتماعی، که دولت موظف است به عنوان حداقل برای همه آحاد جامعه تضمین کند، باید با رفاه و انتظارات هر فرد از زندگی و دسترسی به امکانات و نعمات زندگی در یک جامعه قرن ۲۱ متناسب باشد، این حداقل نه یکبار در سال، بلکه بایستی قانونا سیر تصاعدی داشته و توسط نمایندگان کارگران تعیین شود. در جامعه ای که کار کالا است، و قیمت فروش همه کالا ها از پوشاک و مسکن تا آب و گرما

و ... آنها افزایش پیدا میکند، بهای نیروی کار هم باید بتواند متناسب به همه کالاها افزایش یابد. بهبود سیستماتیک وضع اقتصادی طبقه کارگر یک حق طبیعی است.

این حق همه انسانها، از جمله انسان کارکن است که مداوما به سطح بالا تری از رفاه و امکانات زندگی، دسترسی داشته باشد.

سوم: کارگر کمونیست با آگاهی به اینکه این معرکه و کارناوالهای جانبی آن، نه بحثی مربوط به افزایش دستمزدها که یک کمپین سیاسی برای ساکت نگاه داشتن بیشتر کارگر و راضی کردن او به وضع موجود است، آن را افشا میکند. و با علم به اینکه آنچه امروز به نام حداقل دستمزد مطرح است، کوچکترین ربطی به کارگر و نیاز او و خانواده اش ندارد، اجازه نمیدهد طبقه کارگر بازیچه این معرکه شود.

کارگران کمونیست از این میدان سرمایه داران برای تعیین دستمزد، فاصله میگیرند و آنرا بی اعتبار میکنند.

کارگران کمونیست حقایق مربوط به این معرکه را به خوبی میدانند. سیراوضاع، مقابله وسیع طبقه کارگر با این تلاش برای به سکوت کشاندن آن را، نشان میدهد.

### حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۳ بهمن ۹۲ (۱ فوریه ۲۰۱۴)

www.hekmatist.com

زنده باد سوسیالیسم

مرکز بر جمهوری اسلامی

## دولت "اعتدال"

و سر بزیر و شکرگزار محتاج است. پلیس و که اصلا "جرمی" مرتکب شده اند یا نه. دهها ارگان جاسوسی تاسیس شده اند تا هر جا دولت روحانی گماشتگی خود را برای هر که بویی از مبارزه کارگری، از احساس بورژوا و کارفرمایی به خوبی و بی تامل و همسرنوشتی، اتحاد و تلاش مشترک صورت بدون هیچ پرده پوشی به نمایش میگذارد. بگیرد، همراه کارفرما و مراکز امنیتی و اینکه بورژوازی خوب و بد نداریم، اینکه جاسوسی دنبال کارگر آگاه که همان محرکین سرمایه داری دولتی و خصوصی همگی ضد اعتراض و حق طلبی کارگر است را بگیرند کارگردن، و اینکه تمام دولتهای بورژوایی و دمار از روزگارش در بیآورند. اخراج طول تاریخ در ضدیت با کارگر یکی اند، بزرگترین حربه علیه کارگری است که تنها امری مسلم است و باید به بخشی از منبع تامین نان شب خود و خانواده اش فروش خودآگاهی صفوف ما تبدیل شود. علاوه بر نیروی کارش است. باید نان خانواده کارگری این باید فهمید همه نیروهایی که از سوراخ را قطع کرد تا کل کارگران را تسلیم کرد و "اعتدال" دولت روحانی نور امید میبندد و وادرا کرد به بردگی کامل گردن بگذارند. کارگر را به سکوت دعوت و به این دولت "اعتدال" روحانی این را به عنوان امیدوار میکنند، خود نوکران رباکار و ضد مهمترین وظیفه خود تعریف کرده است. آقای کارگری هستند، که به نام دفاع از کارگر، آنها روحانی بیخود "نفرموده اند" که دولتش را کت بسته تحویل بورژوازی میدهد. آنها با مبارزه با چپ گرایی در جامعه را وظیفه هر پرچم و رنگ و شعاری که دارند، در اصلی خود میداند. وزیر "محترم" اطلاعات به صف دشمن طبقاتی ما هستند. همین دلیل کفش و کلاه میکند و هر روز جایی اما در مقابل این صف، در دفاع از کارگران در خدمت کارفرمایان تعهد خود و وزارتخانه اعتصابی، علیه گستاخی وزارت کار و اش را به عرض حصار میرساند و هراس کارفرما و بقیه گماردگان دولت "اعتدال"، آیا خود از رسوخ اندیشه های سوسیالیستی و کارگران مراکز دیگر، کارگران معادن، نفرت از سرمایه داری در میان این طبقه را کارگران فولاد و نفت و گاز و نوب آهن و علنان بیان میکند. ماشین سازیها و ... کاری خواهند کرد؟ آیا به کار به جایی رسیده که در دولت "اعتدال" گستاخی ماموران سرمایه و برای آزادی کل جناب روحانی حتی ظواهر رباکارانه هم دستگیر شدگان و بازگشت به کار نماینده مسلمان پیشین خود را هم رعایت نمیکند، کارگران اقدامی خواهند کرد؟ و یا کارگر درخواست کارفرما کافی است تا همه دستگیر اعتصابی معدن و دستگیر شدگان را بدون شوند. منطق دولت روحانی درست مانند حمایت و پیشبینی طبقاتی رها خواهند کرد؟ منطق رهبر و پیشکوتانانشان است. خمینی، این سوالی است که امروز و در این دوره در جواب به اینکه تعدادی از اعدایانی که بیشتر از همیشه روی میز رهبران و فعالین توسط خلخالی جلا اعدام شدند، بیگناه بودند، کارگری در این مراکز است. گفته بود "ما اعدام میکنیم، آنهایی که گناهی نداشته اند، بهشت میروند!" امروز و در حکومت روحانی هم کارگر معترض اول دستگیر و زندانی میشود، بعد رسیدگی میکنند

کارگران معدن به اعتصاب است. ظاهرا انجمن صنفی در قانون کار ایران آزاد است. آقایان تعدادی از خودیها را بالای سر انجمنهای صنفی گذاشته اند تا کنترل آنها را خود در دست داشته باشند. کانون عالی انجمنهای صنفی به همین نیت توسط مقامات جمهوری اسلامی سازمان یافته است. کارگران در بسیاری از مراکز کار بدلیل ممنوع بودن تشکل کارگری، از سر ناچاری در انجمنهای صنفی جمع شده اند. کارگری که هیچ امکان دیگری برای متشکل شدن را ندارد، یا حداقل در توازن قوای کنونی میان خود و کارفرما و دولتش، امکان تشکل تشکلهای مستقل کارگری را ندارد، انجمن صنفی را بهتر از هیچ دیده است و بخشی از کارگران ایران در این انجمنها متشکل شده اند. هر چه باشد داشتن چنین چیزی با همه کنترلی که ماموران سرمایه، بر انجمن های صنفی اعمال میکنند و با همه محدودیتهای آن، از هیچ بهتر است. اما اعتصاب کارگران و از جمله کارگران متشکل در انجمنهای صنفی، حق طلبی و ایستادن متحد در یک صف و در دفاع از بهبود زندگی خود، علیه اخراج نمایندگان خود و هر مطالبه ای که خلاف میل کارفرما باشد، ممنوع است. تحت حاکمیت بورژوازی در ایران اتحاد کارگر زیر هر سققی، با هر نامی و تحت هر عنوانی ممنوع است. امر دولت "اعتدال" رفع خطر اتحاد کارگران برای امنیت سرمایه است. آقایان میدانند هر جا کارگران جمع شوند، زیر هر چتری احساس یکی بودن و با هم بودن را داشته باشند، فردا طرح مطالبات و همفکری و اتحاد طبقاتی صورت میگیرد، چیزی که از سم برای بورژوازی ایران خطرناکتر است. امنیت سرمایه به کارگر خاموش و مطیع، قانع

۱ فوریه ۲۰۱۴

نشریه حزب حکمتیست  
سردبیر آذر مدرسی

حکمتیست

تماس با سردبیر:

azar.modaresi@gmail.com

تماس با حزب حکمتیست:

hekmatistparty@gmail.com

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

حکمتیست هر دوشنبه منتشر میشود.  
حکمتیست را بفهمنید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

قانون، اراده و منفعت طبقه حاکم است که بصورت مقرراتی برای همه وضع شده است. از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد.

این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسم کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است. یک دنیای بهتر

# زنده باد انقلاب کارگری